



آینده پژوهی در تحلیل عملیات روانی

جعفر جمشیدی راد^۱، علی شکری^۲

۱. مدیر گروه، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد تبریز

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی - گرایش مسائل ایران

چکیده

منظور از آینده پژوهی این است که به فرایند برنامه ریزی، جهت و هماهنگی میدهد. بنابراین مطالعه سازمان یافته و مستمر گذشته و برآورد امکانات آینده، درک روشنی از وضعیت دنیای امروز را ایجاد می کند و به تصمیم گیری با اطلاعات و اطمینان بیشتر منجر میشود. آینده پژوهی کمک میکند که آیندههای مطلوب و ممکن به هم نزدیکتر شود. این رویکرد تواناییها را برای پیشبینی و تطابق با نیروهای خارج از کنترل بهبود می بخشد و آنها را که در کنترل است تحت تأثیر قرار میدهد.

با به کارگیری روشهای آینده پژوهی در تحلیل پدیده ها و رویدادهای سیاسی - روانشناختی، دید مناسبی از چگونگی شکل گیری دنیای فردا ایجاد میشود با این باور که ایجاد جایگاه مناسب در آینده برای حفظ ارزشها و آرمانها میتواند امکانپذیر باشد. البته باید همواره دارای موضعی انتقادی نسبت به همه نظریهها بود و آنها را برای همیشه به صورت مطلق نپذیرفت.

کلید واژه: آینده پژوهی، عملیات روانی، منازعات روانی، تبلیغات سیاسی، رسانه.

مقدمه

دو برخورد مشخص در خصوص آینده پژوهی در تحلیل پدیده های عملیات روانی به چشم میخورد. عده ای رویکرد انفعالی و انتظار کش را پیشه کرده اند که بیانگر سیاست صبر و شکیبایی با رویدادهای سیاسی یا به عبارت بهتر، قبولی مسالمت آمیز واقعیات است. عدهای دیگر نیز برخورد رو در رو با شکل گیری و شکل دهی روابط جدید سیاسی در فضای به وجود آمده موافق هستند و عملاً در تحلیل پدیده ها و رویدادهای سیاسی برخوردی فعال دارند. البته می توان پذیرفت که عملیات روانی در ترکیبی از واژه شناسی سیاسی مطالعه میشود.

در نگاه اخیر، ابداع، استخراج، بررسی و ارزیابی و نهایتاً ترسیم تصویری روشن از آینده ممکن و محتمل است و به قول کارل یاسپرس، هیچ پیشبینی بی اثر نیست؛ خواه درست باشد خواه نادرست؛ مردمان را به حرکت در می آورد. هرچه آدمی ممکن بداند در طرز فکر و چگونگی رفتار اثر میبخشد. دیدن خطر و نگرانی درست شرط این است که به پا خیزد یا درصدد عمل برآید در حالی که تصورات واهی و پرده پوش سبب تباہیش میشود (کارل یاسپرس؛ ۱۳۶۳: ۲۰۰). در اینجا مقصود اصلی ارائه دهنده بک روش و مدل مطالعه پدیدهها و رویدادهای سیاسی است؛ پس هدف اصلی این است که ما را با آینده سازگار کند.



هرچند آینده شناسی را نمی توان علم اجتماعی به حساب آورد، ادعاهای این رشته، مطالعه جامع و دقیق روند گذشته و حال است تا بتوان آینده را پیشبینی کرد. کسی که آینده را به صورت نظام مند مطرح کرد شخصی به نام «اچ.جی.ولز» بود که کتابی تحت عنوان «پیشبینی» در سال ۱۹۰۱ به چاپ رساند (Adam Kuper ; 1996: 32). تأثیرات کتاب یاد شده را در آثار هرمن کان، آنتونی وینز، آلوین تافلر، ساموئل هانتینگتون میتوان مشاهده کرد. هرچند در آثار فلاسفه قرون یونان باستان و وسطی و حتی عصر روشنگری به طرح مطلوب اشاراتی شده است.

سه دسته از تحقیقات با تکیه بر آینده نگری و تحلیل پدیده های سیاسی وجود دارد: تحقیقات پیش رویدادی، هنگام رویدادی و پس رویدادی. هنر پیشبینی بواقع شامل مشخص کردن مسیرهای مختلف رویدادها و متمایز کردن آن دسته از عواملی است که به ما کمک می کند بدیلی را مشخص کنیم که بیشترین احتمال وقوع را دارد. بنابراین آینده پژوهی در عملیات روانی نه معطوف به تفسیر متن است و نه صرفاً تحلیل توصیفی متن را مد نظر دارد، بلکه بخشی از روش کار را تشکیل می دهد که دارای عملکرد پیشبینی است؛ زیرا درک درست از تحولات و تغییرات سیاسی و تجزیه و تحلیل پدیده های سیاسی تنها مشکل دولتمردان نیست بلکه نظامیان و احزاب سیاسی و گروههای ذی نفع و سایر گروه های سیاسی نیز برای فعالیتهای متداول خود نیازمند به آن هستند؛ چرا که بدون شناخت واقع بینانه از پدیدههای سیاسی امکان بهره وری از فرصتهای سیاسی کمتر میسر میشود.

امروزه گسترش فوق العاده وسایل ارتباط جمعی و تبادل بی حد و مرز اطلاعات، ظهور ابر کامپیوترها، ماهواره های اطلاع رسانی و تجزیه گر، اطلاعات و داده ها را بصورت سرسام آور به حوزه های مختلف کشانده است. بدون شک آگاه نبودن نسبت به تجزیه و تحلیل پدیده های علمی امکان هر گونه تصمیم گیری بموقع را در انتخاب خط مشی واقع بینانه در موقعیت حاضر مشکل می سازد. بنابراین ضرورت آشنایی با روشهای تحلیل داده ها و پدیده های مبتلا به در سطوح مختلف ضروری و قابل توجه است.

شیوه تحلیل میکوشد تا تمام نتایج مدلهای مختلف را با هم جمع، و همه را به یک نظریه مدل جهانی تبدیل کند. این شیوه تحلیلی می کوشد تا تصورات و مفاهیمی را که در سیستم مطرح است، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد تا بتواند به تعریف و توصیف روشن مفاهیم برسد و همسنگیهای میان مفاهیم مختلف را کشف، و در مورد بعضی از نتایج کاوش کند.

در تجزیه و تحلیل علمی از پدیده های عملیات روانی باید از معادله توصیف، توضیح و پیشبینی بهره گرفت. با توجه به این موارد و مشکلات طرح نشده، روشهای علمی به حوزه افکار عمومی برتر از سایر حوزه ها وارد شده است. علی رغم این نفوذ، عده ای نیز اعتقاد دارند که ماهیت فهم پدیده ها را با نگرشهای علمی - کمی - و اصول علیت و موجبت نمیتوان تغییر داد.

عملیات روانی مجموعه اقدامات ساختگی است که اساساً از واقعیت دور است و با مبالغه و به منظور ایجاد رعب و تغییر در افکار عمومی با تحریف حقایق که بهره ناچیزی از حقیقت دارد، همراه است و هدف از آن تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی است که رویارویی این اقدام دشمنانه را در ادبیات سیاسی و نظامی کشورمان با مضمون پدافند غیرعامل می توان بررسی کرد. هر چند ریشه این اقدامات در گذشته های دور وجود داشته با انقلاب صنعتی بویژه در عصر جهانی شدن با تراکم شدن زمان و مکان قلمرو بیشتری از مسأله روزمره جوامع را مورد هدف خود قرار داده است.

بنابراین گسترش دانش و فن، پیچیدگی فوق العاده جوامع بر اثر رسانه های جمعی عملیات روانی ابعاد جدیدی به خود گرفته است. در این میان مطالعه آینده پژوهی با ابزارهای مبتلا به نوعی شناسایی و پدافند عملیات روانی دشمن تلقی می گردد.

یکی از اهداف عمده سخن پراکنی ها، آگاه کردن شنونده یا تأثیرگذاری فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در اوست و از این عامل مانند سایر عوامل یاد شده هم به منزله ابزار دیپلماسی عمومی و هم به مثابه عامل جنگ روانی سود برده است (حمید مولانا؛ ۱۳۷۱: ۹۸). با این بیان امروزه بشریت شاهد شکل گیری انقلابی از طریق دستگاه های هوشمند است که در کنار ایجاد شایعات رسانه ای به ایفای نقش می پردازند و این روش به لحاظ ناروشن بودن منبع اظهارکننده و طولانی بودن دامنه و سریع بودن نفوذ ابزار بسیار مناسبی در حوزه جنگ روانی به کار گرفته می شود. از جمله سایتهای اینترنتی و سایر پایگاه های مجازی اطلاع رسانی به طوری که این پیشبینی وجود دارد که در عصر جدید عملیات روانی در فرایندی از امتیزه شدن فرد از جامعه که بیش از پیش بر



فردیت انجام یافته خود متکی می گردد به مرحله جدیدی گام نهاده است که از تحت تأثیر قرار گرفتن فرد از اجتماع خارج، و رفتارهای جمعی از طریق رسانه های دیداری و شنیداری در کف خیابانها متبلور می شود. به عنوان مثال نا آرامیهای بعد از انتخابات ۲۲ خرداد امسال در تهران و برخی شهرهای بزرگ گویای این است بزرگراه های اطلاعاتی (Motorway Information) میتوانند عملیات روانی را به اهداف خود که شامل نرم افزارهای برنامه نویسی، صنایع فیلم سازی، صنایع مخابراتی و الکترونیکی در گونه های مختلف است، برساند. در این بزرگراه ها پیامهای گوناگون شامل اخبار، برنامه های ماهواره، رادیویی، بازیها و سرگرمیهای مختلف الکترونیکی، عرضه اجناس مختلف و... میتواند در یک خط مستقیم تلفنی - رایانه های حرکت کند. «این اطلاعات به شیوه های مختلف، تصویری و نوشتاری و با کابلهایی از جنس فیبر نوری به مصرفکننده منتقل میگردد» (محمد انصاری؛ روزنامه ایران، شماره ۶۸۱).

مطمناً امروزه یکی از مؤثرترین سلاح در جنگ روانی استفاده از فناوری اطلاعاتی است. بدون تردید کشورهایی که در تولید اطلاعات مختلف نقش داشته اند برتری خود را اعمال میکنند. فعالیت اینترنت در سال ۱۹۶۹ با هدف پیوند دادن مراکز تحقیقات علمی و نظامی آمریکا و اروپای غربی برای جلوگیری از نابودی اطلاعات گوناگون در صورت بروز جنگی هستهای آغاز شد ولی با توقف جنگ سرد به عظیمترین شبکه رایانه های دنیا و نزدیکترین وسیله به الگوی ابزاری بزرگراه های اطلاعاتی تبدیل شد و بیشترین شبکه های جهانی رایانه های را در دست خود جای داد (ادیبی سده؛ ۱۳۴۸: ۴۷).

علاوه بر این جریان جهانی شدن اطلاعات از طریق ماشینهای هوشمند به عنوان یک ابزار شرکت کننده در عملیات روانی تلقی می گردد؛ به عنوان مثال دستکاری در اطلاعات مبتلا به خوانندگان و بینندگان در برخی از سایتها و پایگاه های خبری که برای تشویش اذهان داده پردازی شده است (شبکه بین المللی خبر، ساعت ۱۷، ۲۹/۳/۱۳۸۸).

فرایند پیشبینی و آینده نگری

در فرایند پیشبینی می توان چند مرحله زیر را در نظر گرفت: ارائه نظریه پردازی ابتدایی - مدلسازی - کاربرد مدل، ایجاد فضا و تصمیم و بازخورد. نقش تبیین های علی در تحلیل پدیده های سیاسی این نیست که به پیشگویی پردازد بلکه این است که تبیین تحلیلی در مورد خاص ارائه کند که توصیف فرایندهای قابل مشاهده و غیرمشاهده را در بر داشته باشد تا جنبه پیوند دهندگی به پدیده ها را شامل گردد. در نتیجه تبیین شامل درک و تفسیر کنشها و نه ایجاد قوانین عمومی درباره رویکرد و نگاه تحلیلگر است؛ اما پیشگویی خود بر مبنای مسئولیتی است که محقق در ارتباط با هر آزمایشی دارد که باید از نتیجه آزمایش آگاه باشد. تحلیلگر عملیات روانی باید از پیشگوییهای خود تکمیلی و خود مخرب فرضیه های کلی بسازد و از طریق آزمون و خطا آنها را مورد امتحان قرار دهد. (Futurology.com).

نکته ای که باید به آن پرداخت، مفهوم پیشبینی و تبیین در گفتمان است. مفهوم پیشبینی در ادبیات، گاه به معنی تخمین، گاه به معنی آینده پیمایی، آینده نگری، روندشناسی، پیشگویی و برنامه ریزی و نظایر آن یاد شده است. این مقاله به این نکته می پردازد که روند رویدادهای عملیات روانی که در حال وقوع است، اشرافی حاصل شود و اندیشه ورزان نظامی، امنیتی و سیاسی در تحلیل پدیده ها و رویدادها برای تسلط بر اوضاع محیطی و پیشی گرفتن بر روند و اشراف بر قضا یا ناچار هستند که در هر گونه تجزیه و تحلیل، مفهوم پیشبینی و آینده نگری را جدی بگیرند.

سؤال این است که در عملیات روانی چه چیزی را باید پیشبینی کرد. به نظر میرسد اولویت پیشبینی در این نوع مطالعات، پیشبینی فرصتها، آسیبها و تنظیم چرخه تصمیمگیری است. بنابراین پیشبینی و آینده نگری فرایندی علمی، دقیق و مبتنی بر روشهای کمی و کیفی است که برای تبیین وضعیت یا موقعیت یک پدیده یا رویداد در موقعیت آینده انجام می پذیرد. بنابراین در حوزه جنگ روانی هر موضوعی امکان پیشبینی و آینده نگری دقیق را دارد؛ چنانکه چنانچه اصطلاح آینده شناسی را آینده نگر آلمانی به نام اوسپ فلشتایم (Ossip Flechteim) در سال ۱۹۳۴ در ارتباط با برنامه های مربوط به جهتگیری جوامع نسبت به آینده مطرح کرد و اولاف هلمر (Olaf Helmer) نیز در سال ۱۹۵۰ در تدوین مبانی نظری با کشف دوباره اصطلاح فوتوربیل (Futribles)



نشان داد که آینده های بسیاری قابل تصور است و روی آماره " Roy Amare " نیز اعلام داشت به جای سخن گفتن از پیشگویی می توان از کاوش درباره آینده های ممکن محتمل و مطلوب سخن به میان آورد. (Bertrand Degouvenel ; 1967).

به هر حال صرف نظر از درست یا نادرست بودن پیشبینی های مربوط به آینده مسلم است که انسان به اعتبار ویژگیهای خاص خود، موجودی آینده گرا و آینده نگر (Forward – Looking) است. حیات آدمی رو به سوی آینده دارد و انسان در مسیر حیات خویش به ناچار به آینده می اندیشد و به سوی آن پیش میرود. بر پایه چنین مطالعاتی افرادی نظیر هرمن کان، رابرت نثوبالد، پال کندی، ساموئل هانتینگتون، آلون تافلر، فرانسیس فوکویاما، راوی پاترا، ژاکوب بورکهارت، دنیس گابور، اچ پروان، برتراند راسل، لی لی خورناس، جی بی سی هالدین، جورج اورول، ژول ورن، آلدوس هاکسلی و... به بحث درباره آینده پرداختند و برخی از آثار آنها به فارسی نیز ترجمه شده است.

پیش از این گروه از آینده شناسان، بانیانی چون لئوناردو داوینچی، اچ جی ولز، ای لئیک آرگالدر و... آثاری و نوعاً پیشبینیهایی به آیندهنگری اختصاص یافته بود. در کتابهای الهی از جمله در قرآن مجید نوعی آیندهنگری را در قالب متون خاص با ادبیات و اندیشه ای خاص ترسیم شده میبینیم که به موضوعات مختلف پرداخته شده است؛ اما در کشورمان عملاً بر مبنای کارهای اروپا و امریکا وظیفه اصلی آینده پژوهی را به عهده شورای پژوهشهای علمی قرار داده اند به طوری که گزارش تحقیقات سال ۱۳۷۲ توسط همان شورا تهیه شده است و ایران ۱۴۰۰ نیز افق آینده ایران را بررسی می کند و برخی نیز به پیشبینی آینده ایران تا سال ۱۴۲۷ نیز پرداختهاند (نگاه کنید به: رضا منصوری، ۱۳۷۷).

در کنار فعالیتهای پژوهشی سازمان یافته دولتی، برخی مطالعات انجام شده نیز از شدت اعتبار زیادی برخوردار شده است. اما در میان مطالعات مربوط به آینده (Futures Studies)، آینده شناسی (Futurology)، پیشبینی (Forecasting)، پیشگویی (Prediction)، تبیین (Explanation)، تخمین (Conjecture)، احتمالات (Probability) با وجود سابقه زیاد به دلیل وجود پاره ای از محدودیتهای روش شناختی در ایران مورد بی مهری اندیشه ورزان قرار گرفته است، لازم بود با تدوین منشور چشم انداز ۲۰ ساله ایران مؤسسه و دبیرخانه دایمی آینده پژوهی نیز برای رصد کردن و اعلام برخی از هشدارهای امنیتی و آسیب شناختی در اجرای برنامه های میان مدت و بلند مدت به وجود می آمد.

اهمیت و مبانی معرفت شناختی، آینده پژوهی

اعتقاد بر این است که علم و شناخت علمی، علی رغم تحمل انتقادات و ابطال پذیری و اثبات پذیری روشها و بینشها، توانایی کمک و مساعدت به سامان دادن و ایجاد نظم مورد نظر بشر را در رویدادها و پدیده ها را دارد. بنابراین به چند دلیل امکان پیشبینی پدیده ها با شناخت علمی وجود دارد. در شناخت علمی از هر پدیده باید بدانیم که آنها تکرار پذیر هستند. به همین دلیل امکان دسته بندی و شناخت در آنها وجود دارد. دلیل دیگر، وجود ساماندهی و وجود نظم و امکان سنخ شناسی در حوزه عملیات روانی است. بنابراین امکان پیشبینی وجود دارد. زیرا پیشبینی بر الگو و مدل فراگیر مبتنی و بر این مبتنی است که تبیینی برای جهان فرارو داریم و از تبیین میتوان برای درک آینده استفاده کرد.

اصل علیت بسیاری از قوانین را کشف و شناسایی می کند و از آنها در حوزههای مختلف بهره میبرد و اصول، سنتها و قواعد حاکم بر جهان را شناسایی، و امکان پیشبینی پدیده ها و رویدادها را آسان می کند. در کنار اصل علیت، اصل موجبیت و اصل نسبییت تبیینگری و پیشبینی علوم تجربی و انعکاس آن را در سایر حوزهها تقویت کرده است. اما آیا کاربرد و قلمرو اصل علیت و موجبیت در علوم سیاسی با علوم تجربی یکسان است؟ برای پاسخ به این سؤال، نگاه واحد و روشنی ارایه نشده است. زیرا هر انسان فارغ از موقعیت شغلی و اجتماعی و اقتصادی خود انگیزه های قوی دارد که بدانند در آینده جامعه یا بخشی از آن، چه پیش خواهد آمد. این تمایل واقعی است که بدانیم در بروز حوادث قدرت عمل و تصرف بر کنترل رویدادها در چه حدی است و باید به گونه ای روندهای مطلوب آن را به نفع خود تقویت، و از آثار اجتماعی نامطلوب آن را پیشگیری یا متوقف کنیم.

یکی از ویژگیهای حیات انسانها، رفتارها و کردارهای معطوف به آینده است. بر این اساس حیات انسان نوعی عمل و تطبیق با موقعیت آینده و در تحلیل نهایی نوعی پیشبینی آینده در جهت انطباق با آن است (یاکوب برنوفسکی؛ ۱۳۷۰: ۱۰۰-۹۷).



انسان در طول حیات تکاملی خود برای کسب آمادگی و رویارویی با آینده از خلال فرایند آزمون و خطا (Test and Error)، که می توان آن را فرایند یادگیری نیز نامید، ابزارهای لازم را برای آینده نگری و پیشبینی آموخته است به گونه ای که از بینشهای جادویی و اسطوره ای اولیه تا بینش ذهنی و انتزاعی قرون وسطی و بینش علمی جدید تکامل یافته است. با توجه به اجتناب ناپذیر بودن آینده نگری و با توجه به اهمیت روش صحیح علمی در روند شناخت به نظر میرسد که مطالعه روشمند و منظم آینده، گریز ناپذیر باشد. هرچند اسطوره افسون زای اولیه، جای خود را به اسطوره افسون زای عصر ماشینی و اتم و رایانه بخشیده است.

لالیتای پاتل، اظهار دارد: «برای سر در آوردن از آینده، سه شیوه و روش ناهمسان متفاوت وجود دارد. در نتیجه سه نوع آینده نگری وجود دارد: نوع الف، نوع ب، نوع ج. نوع الف، پدیده فیزیکی برای آینده است. نوع ب، یعنی طالع بینی نجومی یا ستاره شناسی برای مشاهده آینده است. نوع ج، یعنی سازماندهی روحی برای تحمل آینده است. اگر می خواهید آینده را بفهمید به یک مثلث بنگرید که از سه ضلع ساخته شده است که نباید به یک وجه آن نگاه کنیم. با کار کردن آینده را بسازید با کلمات و لغات آینده را ببینید و با دنیا آینده را تحمل کنید؛ این سه وجه آینده شناسی است» (Futurology.com).

به هر حال صرف نظر از هر نگاهی به مفهوم آینده نگری، تردیدی نیست که در طول تاریخ همواره تمایل داشتند که به گونه ای نسبت به آینده شناخت بدست آورند و از آینده سخن بگویند به طوری که اخیراً جنبش آینده شناسی پدید آمده که تلاششان برای تبدیل پیشبینی آینده به علم است. مسلماً پیشبینی آینده خیلی سخت است ولی خوشبختانه امکان دارد که آینده را پیشبینی کنیم. طبیعتاً در چنین رهیافتی پیشگویی به خوی خود هدف نیست بلکه وسیلهای است تا پژوهشگر به کمک آن بهترین استراتژی سیاستگذاری، برنامه ریزی و اقدام را برای بهره وری بیشتر از حال و آینده معین کند و به تصمیمگیران و برنامه ریزان ارائه دهد. (Stefan Robock ;1984: 603).

بر این اساس، هدف آینده شناسان ابداع یا استخراج، بررسی، ارزیابی و نهایتاً ترسیم تصویری روشن از آینده ممکن، محتمل و بهتر است. اینکه آینده چگونه میتواند باشد؛ احتمالاً چگونه خواهد بود و چگونه باید باشد. طرح چستی دیدگاه های آینده نگر به جوامع بشری امکان میدهد تا فرایند تصمیم گیری سیاستگذاری و تدوین برنامه های اقدام اجتماعی را به گونه ای روز افزون عقلایی کنند. با توجه به این ملاحظات، آینده شناسی با هر درجه ای از اعتبار، ضرورتی انکار ناپذیر به نظر میرسد (وندل بل؛ ۱۳۷۴: ۱۶). امروزه مطالعات آینده نگری و پیشبینی روندها و رویدادها به صورت چشم انداز ذهنی و عینی جوامع مختلف در آمده است و بسیاری از کشورهای دنیا مؤسسه های مطالعاتی خاصی برای این کار ایجاد کرده اند. بر اثر توجه اندیشه ورزان به آینده نگری، پیشبینی یکی از اجزای معرفت به شمار می آید. در واقع، توانایی پیشبینی کردن صحیح، برجسته ترین کیفیت به شمار می رود (چاوا فرانکفورد؛ ۱۳۸۱: ۱۹). دانش ناکافی پیشبینی را غیر ممکن می سازد و دلیل شکست پیشبینی میتواند موارد ذیل باشد:

قانون، تصمیم صحیح نباشد.

بخشی از قضیه مشروط که حاوی شرط است بدرستی شناسایی نشده باشد.

مطالعه آینده، مطالعه تغییرات بالقوه است. البته نه صرفاً موجهای سطحی که به وجود می آید بلکه آنچه را به احتمال زیاد تفاوتی بنیادین و نظام مند به وجود می آورد. مطالعه آینده صرفاً طرحهای اقتصادی و یا تحلیلهای جامعه شناختی و یا گسترش فناوری نیست بلکه بررسی عالمانه از دیدگاه چند رشته از تغییرات آینده است که در همه عرصه های عمده زندگی رخ می دهد (G.Glem, Introduction The Futures Research, AC% unu/Millennium Proget. 1994).

عملیات روانی (Psychotic Operation) به دنبال وضع فضایی است که به توضیح و پیشبینی رویدادهای از پیش تعیین شده بپردازد و به کمک ابزارهای در اختیار، چرخه ای از تأثیرگذاری بر افکار عمومی را دنبال کند. از اینرو فهم بنیانهای عملیات روانی درکی بسیار روشن از رفتار دشمن را برای ما فراهم می سازد. گذشته از روشهای سنتی توضیح رفتار، اغلب نمیتوان بدون دستیابی به ابزارهای مورد نیاز بیان شود؛ زیرا درگیر موج جدیدی از عملیات



روانی در چارچوب تحلیل رفتار در زمینه بین‌المللی هستیم و این عرصه در حال گسترش شامل آثاری است که به بررسی تروریسم، پاکسازی نژادی، نسل‌کشی، بحران آفرینی در حوزه‌های مختلف و سایر الگوهای رفتاری می‌پردازد که در برگیرنده سطوح فوق‌العاده‌ای از خشونت و نافرمانی مدنی با انگیزه‌های سیاسی و براندازی است. از اینرو عملیات روانی در پی ایجاد نگرشها، باورها، طرح‌واژه‌ها، تصاویر ذهنی و مفاهیم بسیار دیگری است که از طریق آنها به دنبال شکل‌دهی از سایر جوامع یا جوامع هدف هستند که در این میان صحنه‌سازیه‌ها، تخریبها و در نهایت دخالت مستقیم بخش عظیمی از پروژه براندازی در کشورهای هدف است که می‌توان به مفاهیم انقلاب رنگین به نام گل رز در ۲۰۰۳ گرجستان، نارنجی در ۲۰۰۴ اوکراین، گل لاله در ۲۰۰۵ قرقیزستان که ترجمان طراحی و اجرای نقشه‌های براندازی در قالب عملیات روانی رسانه‌ای است.

کاربرد آینده‌پژوهی در تحلیل عملیات روانی

تحلیل عملیات روانی به معنی توصیف، توضیح و ارائه تصویری از آینده، پدیده‌ای است که به گونه‌ای در موضوع جنگهای روانی قرار می‌گیرد. این پدیده‌ها ممکن است مفاهیم یا تحولات و حوادث سیاسی و یا فرایندهای سیاسی باشد. تحلیل رویدادها و پدیده‌های عملیات روانی برای توصیف، توضیح و تعمیم نیازمند به وسایل تحلیل است؛ ولی وقتی سخن از ابزار تحلیل است به این معنا نیست که تنها برخورداری از این ابزار و شناخت نسبت به آنها به معنی توان خنثی‌سازی آنهاست؛ چرا که مهارت در بهره‌مندی از این ابزارها و شناخت نسبت به آنها از شرایط توان تحلیل است. از سوی دیگر چگونگی بهره‌مندی از این ابزارها خود بحث جداگانه‌ای است که عملاً به آگاهی بر علم روانشناسی سیاسی نیازمند به فنی‌کارآمد و ذهنی‌پویا و قادر بر انتزاع و ارتباط است. تحلیلگر می‌کوشد رابطه بین پدیده‌ها را تبیین کند و خنثی‌سازی و مقابله را در زمینه اجتماعی آن قرار دهد. هدف از تحلیل عملیات روانی فهم بهتر دنیایی است که در آن ضمن رصد کردن تحولات با امنیت بیشتر زندگی کنیم. هدف از فهم بهتر، انتخاب مناسبترین شیوه عمل در رسیدن به مقاصد مطلوب و تصرف در روند شکل‌گیری رخدادها و پدیده‌ها و تغییرات در عرصه فرد و جامعه است. کنش خردمندانه در این راستا مستلزم گزینش هدفها و کوشش برای دستیابی به آنها با کمترین هزینه ممکن است. (Robert A. Dahi: 1983: 12).

بنابراین روش تحلیل عملیات روانی، فرایند عقلانی و ذهن‌تحلیلگر برای دستیابی به شناخت با توصیف واقعیت‌های موجود است. تحلیلگر به واسطه اتخاذ روش مناسب میتواند از طریق عقل یا غیر آن واقعیتها را بشناسد تا از لغزش در تحلیل برکنار، و از پذیرفتن سلطه یا هژمون جهانی مصون بماند.

چون اساس آینده‌پژوهی و مبنای نهایی تحلیل عملیات روانی، ساختارسازی و چارچوب‌بندی مواد خام است، قالب‌بندی ساختارسازی و چارچوب‌سازی مواد خام هنر عالم علم سیاست را به نمایش می‌گذارد. اگر سیاست را علم بدانیم، پس باید ویژگیهای علم را دارا باشد؛ یعنی پدیده‌ها تکرار پذیر، قانونمند و دارای تعمیم‌نتایج باشند زیرا در علم دو متغیر کمی شامل کاربرد ارقام و آمار و استدلال و متغیر پیشینی وجود دارد. لذا علمی بودن فقط توضیح نیست بلکه پیشینی رویداد و پدیده نیز هست و در این میان امکان دریافت از جزئیات عملیات روانی امکانپذیر است.

حال در صورتی که تحلیل عملیات روانی را در درون علوم سیاسی «علم» بدانیم، آیا با مطالعه سیاست، سیاستمدار و تحلیلگر عملیات روانی می‌شویم؟ همانطوری که پزشک با مطالعه علم پزشکی به لحاظ حرفه‌ای پزشک می‌شود، پاسخ به حوزه سیاست از این نگاه منفی است. چه بسا افرادی براساس شانس، بخت و اقبال و توطئه و یا هر علت دیگری سیاستمدار شده و علم متعارف سیاست را نیز مطالعه نکرده باشد. به نظر می‌رسد مطالعه علوم سیاسی به کار حرفه‌ای سیاستمدار منجر نمی‌گردد، اما چون این صفت علمی بودن در سیاست خود را حفظ کرده، حرفه علم سیاست و رای سیاستمداری است و رابطه عالم سیاسی با سیاست به مثابه رابطه پزشک با بیمار است. بنابراین بیان عملیات روانی با بهره‌مندی از روانشناسی سیاسی حاصل می‌گردد؛ اما پیشینی و آینده‌نگری در حوزه عملیات روانی مشکل خاصی ندارد و هدف این است که قدرت حال را با ایجاد طرحهایی از این دست برای آینده کم کنیم. با این فاصله، آینده و حال از حالت سختی درمی‌آید و فرایند اثبات و ابطال را دنبال نمی‌کند بلکه با استفاده از مدل و الگو به جای نظریه‌مسائلی را از زاویه خاصی بررسی می‌کند و صرفاً مناسب و سودمند بودن طرح را براساس مدل و الگو میسنجد؛ هرچند کاربرد مدلها و الگوها به تفکر ما روشنی می‌بخشد. اما از افراط در این امر نیز باید خودداری کرد. منظور از کاربرد غلط نظریه، به کارگیری مفهوم بازتر مدل در تحلیل رویدادهای عملیات روانی منطقی بنظر می‌آید.



رسد، زیرا مدل نوعی بازسازی واقعیت است که نیازی نیست از ماهیت دقیق نظریه برخوردار باشد. در این میان می توان از تحلیل سناریوها به الگویی واقعی قابل اجرا خارج از ذهن دست یافت. البته سناریوها به لحاظ پیچیدگی در متن عملیات روانی است.

هنگامی که بحث از عملیات روانی است، منظور از آن به کارگیری امکانات و ابزارهای خاصی در جریان نبرد است. در این روند مبارزه علیه روحیه و روان جامعه هدف، که میتواند با تأثیرگذاری بر افکار، عواطف و تمایلات طرف، او را به رفتاری وادار کند که مطابق خواست طراحان بنماید که به عنوان کارگزار نهایی است (محمد شیرازی؛ ۱۳۸۵: ۱۶). (از نظر عده ای جنگ روانی به عنوان انعطاف پذیرترین ابزار برای دستیابی به اهداف جنگ سرد معرفی می شود که میتواند با روشهای گمراه کننده متفاوت به کار رود. از اینرو عملیات روانی به مجموعه اقدامات طرحریزی شده به منظور تأثیر بر جامعه هدف برای رسیدن به مقصدی تعبیر می شود که طراحان از آن جستجو می کنند. در عصر جهانی شدن رسانه های دیداری و شنیداری با مخاطبان گسترده که خود دارای عناصر و اجزایی است به منظور ایجاد رعب و هراس به قصد تسلیم یا اقدام برای اجرای نقشه ای به کار گرفته می شود که طراحی شده است. از اینرو دارای پیچیدگیهای بسیار فراوانی است از جمله اینکه اهداف تاکتیکی، ایجاد تفرقه و دامن زدن به اختلافات، گردآوری و پخش شایعه برای تضعیف روحیه دفاع و وفاداری و ایجاد شکاف بین ملت و حکومت با انتشار آمارهای ساختگی برای دلسرد کردن مردم به منظور بهره برداری از آن برای رسیدن به هدف استراتژیک به دست آوردن پیروزی و شکست طرف مقابل یا جامعه هدف نایل برسد.

روشهای پیشبینی و مطالعه آینده

به طور کلی روشهای مطالعه آینده ادعای پیشبینی آینده واحد را ندارد. هدف روشهای مطالعه آینده شناسی یاری رساندن به انسانها و جوامع به منظور درک بهتر احتمالات آینده برای اتخاذ تصمیمات بهتر در زمان حال است. آینده شناسان از این روشها برای روشهای آینده شناسی به تحلیلگر کمک می کنند تا از طریق تعیین میزان معلومات و مجهولات، تعیین دامنه احتمالات و تعیین ماهیت احتمالات مطلوب با مسئله عدم قطعیت تا حدودی کنار بیایند. برخی از اندیشه ورزان، مطالعات آینده شناسی را به دو نوع کلی توصیفی و تجویزی تقسیم بندی کرده اند:

روش توصیفی، که روش برون یابی (Extrapolation) نیز نامیده می شود، سعی در توصیف عینی ماهیت احتمالی آینده دارد. در اینجا از «هستها» به «بایدها» می رسم.

روش تجویزی، که روش هنجارآفرین (Normative) نیز نامیده می شود، به آنچه که در آینده باید باشد توجه دارد و نه به هستها. در اینجا از «بایدها» به «هستها» پیمی بریم.

آینده شناسان، آینده هر چیزی را می توانند مطالعه کنند و سعی کرده اند تا تعداد زیادی از پدیدهها و فرایندهای سیاسی را پیشبینی نمایند که این نوع بررسیها با توجه به طبقه بندیهایی که از فرهنگ، تمدن، باورها، امیدها و نگرشهای نوسازی و توسعه به عمل می آید، متفاوت است. در حوزه سیاست، اقتصاد و... خیلی موارد روشنی دارد.

از آنجا که پیشبینی و آینده نگری از جمله دیدگاه های روشگرا است، هیچ اندیشه ورزی برای پیشبینی رویدادها و پدیده های سیاسی، امنیتی در آینده خود را به یک روش محدود نمی کند و بر حسب موضوع و هدف و منابع موجود روشهای مختلفی برای تحلیل پدیده های سیاسی امنیتی بر می گزیند. از طرفی تنوع انتخاب روشها و کاربرد ابزارها معمولاً نمایانگر موضوع مورد بررسی و تجربه سازمان یافته است تا خود روشها. در این راستا پیشبینی به دو نوع مشخص تقسیم می شود:

پیشبینی موردی (Point Prediction) و پیشبینی الگویی (Pattern Prediction) کاربرد اصلی پیشبینی موردی یاری رساندن به دولتها در انتخاب گزینشهای کوتاه مدت است ولی کاربرد اصلی پیشبینی الگویی به گزینشهای بلند مدت و توالیها و یا مجموعه های وقایع مربوط میشود.

National Conference on Future Studies, Humanities and Development

کنفرانس ملی آینده پژوهی علوم انسان و توسعه

FHD2015.ir



شیراز مهرماه ۱۳۹۴

روشهای مطالعات آینده شناسی اغلب در دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی قرن بیستم مطرح شد. شاید بتوان گفت که به تعداد آینده شناسان، روشهای آینده شناسی وجود دارد. روشهای یاد شده مورد اجماع نیز نیست و در کل دو نوع پیشبینی وجود دارد:

پیشبینی های تجسمی از آینده که محتمل به نظر می آید.

پیشبینی های هنجاری که مطلوب نظر ما تصور می شود (سعیده لطفیان؛ ۱۳۷۶: ۱۲۷).

در هر دو نوع پیشبینی -موردی و الگویی- می توان از روشهای کمی و کیفی استفاده کرد.

تجسمی هنجاری

روشهای کمی سناریوها، سریهای زمانی تجزیه و سناریوها، تحلیل تسلسل تکنولوژی

تحلیل رگرسیون، مدلهای چند ”

معادله ای، مدلهای احتمالی، تأثیر ”

روندها، تأثیر متقابل ماتریسها ، ”

مدلهای غیرخطی ”

روشهای کیفی سناریو، روش دلفای مصاحبه های ”

موضوعی، جلسات گروه های ”

کارشناسی نابغه داستانهای علمی و ساختگی

یکی از اندیشمندان دانشگاه مینه سوتای امریکا به نام ارل جوزف (Earl Joseph) ، دورههای زمانی برای مطالعات آینده مطرح کرده است. اندیشه پردازان سیاسی نیز بنا به نیاز به آگاهی از روشهایی که دارند تا بتوانند در طرح ریزی بلند مدت از آنها استفاده کنند از این تقسیم بندی استفاده می کنند . دوره های زمانی که ارل جوزف مطرح کرده عبارت است از:

آینده نزدیک از حالا تا یک سال آینده

آینده کوتاه مدت از حالا تا پنج سال آینده

آینده میان مدت از پنج سال تا ۲۰ سال آینده

آینده بلند مدت از ۲۰ سال تا ۲۵ سال آینده



بنابراین میتوان پیشبینیها را به سه دسته تقسیمبندی کرد: درصد زیاد وقوع، درصد کم وقوع و وقوع مورد انتظار. اکنون با توجه به این مطالب، می توان به ابزارهای آینده پژوهی در حوزه تحمیل عملیات روانی اشاره کرد که عبارت است از: روشهای تحلیل روند (تحلیل رگرسیون، سیاست سنجی، برون یابی روند و...)، نظریه های کارشناسی (روش دلفای، ایجاد نظریه...) و تحلیلهای چندگانه (سناریو پردازیها، شبیه سازیها...). اما در محافل رسانه ای اغلب از نظریه های کارشناسی پس از رویدادی بهره می برند.

می دانیم برخورد با مسایل کلان با نگرش سیاسی بر حسب زمان و متناسب با اهداف و نوع مسئله متفاوت است؛ اما آیا ساختار فعلی در ایران توان تصمیم براساس کدام مدل را تجویز میکند؟ امروزه بحث از قدرت هوشمند، که ترکیبی از قدرت سخت و قدرت نرم که عملیات روانی و جنگ رسانه ای نیز در درون آن می گنجد به بحث پُست مدرنیستها معطوف است که اعتقاد دارند بحث از ابر واقعیتها چیزی است که قاب دوربینها هر چیزی را مصلحت بداند به واقعیت تبدیل می کند و اربابان رسانه ها و خبرنگاران هر سوژه های را مطلوب می بینند به واقعیت می رسانند. بنابراین در عصر جدید براساس عملیات ذهنی و روانی، واقعیت مجازی به جای واقعیت واقع قرار میگیرد. اساساً انقلابات رنگین یک پروژه روانی در تغییر وضعیت کشورهای در حال توسعه از سوی اربابان رسانه ها صورت میگیرد. در این میان، قطعاً قدرت هوشمند کمک رسان خوبی به تصمیم گیران کشورمان در رویارویی با خطرهای احتمالی دشمن عمل خواهد کرد تا سازه های عملیات روانی دشمن را خنثی کند.

نتیجه گیری

طبیعی است هر واحد سیاسی بخش عمده ای از تصمیماتش را از محیط جهانی و پیرامون اتخاذ می کند ولی مشکل اینجاست که عوامل مؤثر بر تصمیم گیری که عبارت است: عوامل جهانی، سیستم نظام بین الملل، عوامل فناوری، نظامی، امنیتی، جغرافیایی و... به صورت مستقیم قابل کنترل نیست و در تعامل با رفتار سایر کشورها قرار دارد. بنابراین مطالعه امنیت روانی ایران به عواملی بستگی دارد که ورود و خروج آن براساس قواره ساختار می باید پاسخدهی شود. در این سطح افراد، گروه ها و جامعه همراه با سطوح حکومت مورد توجه است.

بعد از تحولات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در گفتمان جهانی شدن، جمهوری اسلامی ایران تلاش میکند در خصوص اقدامات سایر دولتها، مجموعه طرحهای استراتژیکی عام طراحی کند. این مجموعه، دستیابی به فناوری انرژی هسته ای، توانمندیهای موشکی و هوا و فضا و سایر پیشرفتهای حوزه علوم و فنون اشاره دارد. استفاده از سطح سخت افزاری و پدافند غیرعامل در کنار جلوههایی از قدرت نرم در افکار عمومی و ترتیبات رسانه ای در سطح نرم افزاری، بستههای ایران را در مقابل عملیات روانی دشمن تشکیل میدهند. اما جمهوری اسلامی ایران اغلب به جای تصمیمگیری از لابلای آینده پژوهی و پیشبینی، به فرایند تخمینایی از حوادث و رویدادها رضایت میدهد. اما لازمه رویارویی با جنگ روانی دشمن این است که بجای گمانه زنی و تخمین، پیشبینی و تصمیمگیری نماییم.

مسئله مهم، احتمال تحقق عملیات روانی است که متغیر موثر و تقویت کننده در فرآیند پیشبینی است. در واقع، جمهوری اسلامی ایران در رویارویی با پدیده های امنیتی از جمله عملیات روانی و چگونگی استفاده از ابزارهای نوین آینده نگری از روش سناریو سازی با توجه به شکل و نوع پیشرفتهای صورت گرفته در فناوریها و ویژگی عمده آنها میتواند با کاربست راهکارهای مناسب روشهای معقول و منطقی تری برای همگامی پیشبینی پدیده ها و رویدادها استفاده کند. در این راستا آنچه ضرورت دارد و جزو الزامات بحث قرار می گیرد، افزایش توان و ظرفیت هوشیاری و علمی جامعه در جهت مشارکت جدی تر در تولید دانش، مقابله با عملیات روانی است؛ چیزی که مقام معظم رهبری نیز در منشور سیاستگذاری برای برنامه پنجم توسعه زیر عنوان امور سیاسی، دفاعی و امنیتی در بند ۳۶ به تقویت حضور و مشارکت مردم در عرصه های مختلف اشاره فرموده اند و در بند ۳۶ نیز اشاراتی به مقابله با فزون خواهی دشمنان و اقدام متجاوزانه آنها را در روابط خارجی ایران بیان کرده اند؛ اما به صورت بسیار روشن در بندهای بعدی به تقویت زیرساختهای مقابله با دشمن در عرصه های مختلف بویژه اهتمام به گسترش پدافند غیرعامل، که بخشی از عملیات روانی دشمن را هدفگیری می کند، مورد توجه قرار داده است که سهم مردم در کنار حکومت در مقابله با ترفندهای دشمن تعیین می شود.

National Conference on Future Studies, Humanities and Development

کنفرانس ملی آینده پژوهی علوم انسانی و توسعه

FHD2015.ir



شیراز مهرماه ۱۳۹۴

بنابراین اگر اجرای عملیات روانی از سوی دشمن به عنوان مفروض در نظر گرفته شود، لازم است جمهوری اسلامی ایران روشها و ساز و کارهای تطبیق با موقعیت جدید را تمرین کند. در این صورت می توان موانع ساختاری را در سطوح سیاسی و امنیتی برای انطباق و سازگاری با وضعیت ایجاد شده از بین برد تا در بازی حاصل جمع غیر صفر شرکت کرد. زیرا در عصر جهانی شدن، بخش عمده ای از زندگی ما صرف ارتباط با دیگران می شود و شاید بتوان گفت موفقیت‌هایمان به روابطمان با دیگران بستگی دارد. اما به رغم اهمیت و جایگاه ارتباط با غیر، داشتن بسته‌های رویارویی با عملیات‌های روانی و کاهش آسیب‌های قابل پیشبینی یکی دیگر از ارتباطمان با دیگران تلقی می گردد؛ زیرا ارتباط در وجه مثبت و منفی پیامدها و آثاری دارد.

منابع

الف- منابع فارسی

- ۱- ادیبی سده، مهدی (۱۳۸۴)، جامعه شناسی جنگ و نیروهای نظامی، تهران، سمت.
- ۲- انصاری، محمد، روزنامه ایران، شماره ۹۸۱۰
- ۳- برنوفسکی، یاکوب (۱۳۷۰)، شناخت عمومی علم، ترجمه محمد علیپور، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ۴- بل، وندل (۱۳۷۴)، بازاندیشی در ارزشها و علیت در آینده، ترجمه علی بهادر، تهران، رهیافت.
- ۵- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۵)، بحران روش شناسی در علوم سیاسی، قم، دانشگاه مفید.
- ۶- روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۲۲ دیماه ۱۳۸۷، شماره ۸۵۲۵ سال سی ام، سیاستهای کلی برنامه پنجم از رهبر انقلاب.
- ۷- شیرازی، محمد (۱۳۸۳)، جنگ روانی و تبلیغات، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نمایندگی ولی فقیه.
- ۸- فرانکفورد، چاو و نجمیانس، دیوید (۱۳۸۱)، روشهای پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا قلی، تهران، سروش.
- ۹- لطفیان، سعیده (۱۳۷۶)، استراتژی و روشهای برنامه ریزی استراتژیک، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل.
- ۱۰- مارش، دیوید و استوکر، جری (۱۳۸۷)، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه‌های محمد حاجی یوسفی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۱- منصوری، رضا (۱۳۷۷)، ایران ۱۴۲۷ عزم ملی برای توسعه، تهران، طرح نو.
- ۱۲- مولانا، حمید (۱۳۷۱)، جریان بین المللی اطلاعات، ترجمه یونس شکرخواه، تهران، مرکز مطالعات تحقیقات رسانه، وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۳- یاسپرس، کارل (۱۳۶۳)، آغاز و انجام تاریخ، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران، خوارزمی.

National Conference on Future Studies, Humanities and Development

کنفرانس ملی آینده پژوهی علوم انسانی و توسعه

FHD2015.ir



شیراز مهرماه ۱۳۹۴

ب- منابع لاتین

1. Adam kuper & Gessica Kuper, (1995) The Social Science Encyclopedia London. Routledge.
2. Bertrand De Gouvenel (1967) , The Art of Conjecture , Newyork , BasicBook.
3. Lalit.A. Patel, Triology of Futurology,File://A:Futurology.
4. Gerone.g.Glen (1994), Introduction The Futures Research, AC% millennium proget.
Michael Marine, Introduction To Futures Research Methodology, File://:Futurology.htm.
5. Robert.A. Dahi (1983), Modern Political Analyses, Hall of India private Lt.
6. Stefan Robock, Konnt Smmond (1984), International Business and Multinational Enterprise, Tokyo, Toppan.